

جامعه آرمانی از دیدگاه نهج البلاغه

پژوهشگر: فاطمه جدیدی^۱

چکیده

جامعه آرمانی یا جامعه مطلوب که دائما مورد توجه فلاسفه و ادیان الهی بوده است جامعه‌ای است، تحت ولایت ذات اقدس الهی بوده است که هدف نهایی آن رشد معنوی و مادی انسانیت است و همیشه در حال توسعه و شکوفایی است و کرامت بشریت در آن ملاحظه می‌شود، امت به ولایت الهی و پیروی از فرامین او تن می‌دهند و عدالت و تقوای الهی را در تمام شؤون آن به پا می‌دارند. اما جامعه آرمانی اسلامی که معمار آن پیامبر اسلام (ص) بوده است که دارای قانون بنیادی مدونی به نام قرآن بوده است به دلایل متعدد دچار انحراف شده است و آسیب‌های و بحرانهایی را گذارند بر این اساس در طول تاریخ اندیشمندان اسلامی ضمن بیان خصوصیات جامعه آرمانی اسلامی بر تشکیل چنین جامعه‌ای تاکید داشتند. آنها با استناد به دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (ع) نه تنها دست یافتن به جامعه آرمانی امکان‌پذیر دانستند، بلکه غرض بعثت انبیا را همین می‌دانستند. با ژرف اندیشی به مطلب مذکور پرسش اصلی این پژوهش این است که از منظر متون دینی جامعه آرمانی چه خصوصیات دارد؟ فرضیه پژوهش با روش توصیفی تحلیلی که از متون اسنادی بدست می‌آید جامعه‌ای است که افراد آن در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود گام می‌زنند و تلاش و کوشش می‌کنند و دارای چهار نوع ارتباط است: ارتباط با خدای متعالی، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت (جمادات، نباتات و حیوانات) و ارتباط با انسان‌های دیگر، این ارتباطات در چهار حوزه‌ی ۱- سیاسی (حاکمیت امام و...)، ۲- فرهنگی (آموزش و پرورش توحیدی، عدالت محوری و...)، ۳- اقتصادی و ۴- اجتماعی (امربه به معروف و نهی از منکر، صداقت، عقل گرایی و...) بدست می‌آید که در تقریر این مقاله ابعاد آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کلید واژگان:

نهج البلاغه، امیر المومنین (ع)، جامعه آرمانی، عدالت، قدرت، اقتصاد، حاکم و اجتماع

^۱ طلبه سطح ۲ حوزه علمیه فاطمیه دامغان

مقدمه

مسأله ی احیای تفکر دینی، یکی از پرسش‌های روزگار ما است که رویکردها و روش‌های گوناگونی را برانگیخته و همیشه مورد توجه متفکران اسلامی و غربی بوده است. موضوع مورد بحث در این پژوهش تحریر است دوباره بر همان جریان پرتأمل تحقق جامعه ی آرمانی، منتهی تحقیقی از نگاه مذهب و اندیشه های دینی. اگر دین را به عنوان عنصر برجسته ی فرهنگی نگهبان حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدانیم که آموزه های آن به محافظت از جوانب مختلف حیات یاری می رساند، مباحث جامعه شناسانه انگیزه عطف توجه به سازمانهای اجتماعی را دارند و تبیین کننده نهادها، نقشها و کارکردها در زندگی جمعی می باشند. در این مسیر، مراجعه به متون اجتماعی دین اسلام علاوه بر استحکام بنیادهای ذهنی و معنوی پژوهشگر، سراج منیری در دستیابی به عمق دیدگاههای این مکتب در رابطه با انسان، جامعه و تاریخ خواهد بود. زیرا جامعیت نگرش دینی که به منبع زلال وحی متصل است. به حوادث اجتماعی، که از طریق مطالعه و تحقیق در ادبیات تاریخی و اجتماعی دین به ذهنیت علمی جویندگان شریعت انتقال می یابد اطمینان و اعتبار می بخشد. از آنجا که قبل از ظهور علم رسمی جامعه شناسی، متفکران اجتماعی و رهبران بزرگ دین از جمله امام اول شیعیان علی ابن ابی طالب (ع)، که بعد از پیامبر صلی اله علیه و آله و سلم، خود بزرگترین شارح و مدرس تعالیم اسلام و قرآن است، دیدگاههای مهمی در رابطه با موضوع مورد نظر ارائه داده است، پژوهشگر را بر آن داشت تا از آراء و نظریات امیرمؤمنان (ع) در نهج البلاغه برای ترسیم جامعه آرمانی در این تحقیق استفاده نماید. در اینجا طرح مسأله اصالت فرد و جامعه از آن جهت اهمیت می یابد که این موضوع به صورت بحث فلسفی و جامعه شناختی در شکلگیری اهداف و مبانی مکتبی نظام های اجتماعی مؤثر است.

در این راستا، چارچوب نظری منتخب این پژوهش ساختار تخیل جامعه شناسی است تا برای شناخت ابعاد گوناگون جامعه مطلوب از دیدگاه نهج البلاغه، ابتدا چشم انداز نظری آن حضرت که اساس نگرش عرفانی ایشان را می سازد، در رابطه با مفاهیمی چون: انسان، جامعه، دنیا، و روابط متقابل اجتماعی بررسی می نمایم.

۲

جامعه آرمانی

جامعه ای است تحت ولایت الهی که هدف آن رشد معنوی و مادی بشر است و همیشه در حال رشد و پویایی است و مردم به ولایت الهی و پیروی از فرامین او تن می دهند و عدالت و تقوای الهی را در تمام شئون آن به پا می دارند.

جامعه ما که جامعه اسلامی و شیعی است، تعهدات و ایمان و آرمان مسلمانان درون ابن جامعه در طلب کمال، سعادت و راهیابی به سوی هرچه که برای آنان کمال آور و سعادت آور است خلاصه می شود.

امیرالمومنین (ع) می فرماید: بار خدایا ستایش نیک و بی شمار تنها تورا مستحق است هرگاه تو را آرزو کنند بهترین آرمانی و آن جا که امیدها به تو پیوندند ارجمند ترین نقطه امید باشی.

از دیدگاه امام علی(ع) رسیدن به جامعه آرمانی امری بسیار سخت و غیر ممکن نیست و از منظر امیرالمومنین(ع) جاذبه ها و هواهای نفسانی انسان، موانع جدی برای دستیابی به جامعه آرمانی است.

شرایط ذهنی جامعه آرمانی

آماده شدن و پیراستن جامعه، یعنی تزکیه ساخت اجتماعی، به معنی انتظار برای فرج و ظهور حضرت حجت(عج) است که تنها با رعایت مواردی ممکن می شود و بتدریج شرایط نابودی طبقه آرمانی فرادست یا مستکبر را فراهم می کند. این پیرایش و آرایش اجتماعی، یا تزکیه ی ساختی، البته زمانی واقع می شود که انسان رو به آدمیت کرده باشد و تزکیه شخصی را نیز آغاز نموده باشد. این آمادگی تنها در ضمن زندگی در جامعه ای مشارکتی و نامتمرکز تحت نظارت و ولایت دوشاخه ولایت فقیه و ولایت راهنمایان طریقت علوی ممکن می گردد. هرگونه نقصی در این شاخص های اجتماعی، شرایط فرج و ظهور را مشکل می گرداند.^۲ مختصات این چشم انداز، گرایشی خاص را در دیدگاههای تفسیری جامعه شناختی نشان می دهد. زیرا که حرکت به سوی هدایت یا گمراهی در گرو تلاش انسان و نیز استمداد انسان از استاد و راهنمایی الهی است که هر دو صورت آن وقتی رخ می دهد که انسان خود با رأی و تفسیر خود حرکت را شروع نموده باشد^۳

اقامه حق و دفع باطل، یکی از بزرگترین آرمانهای جامعه علوی است. امام (ع) بارها معیار و دلیل پذیرش حکومت خویش را اقامه حق و ممانعت از باطل و مبارزه با آن اعلام نموده است. عبدا... بن عباس می گوید: « در منطقه « ذی قار » در گذرگاه جنگ بصره، شرفیاب محضر امیرالمومنان شدم. دیدم نعلین خود را وصله می زند. در این حال روبه من کرد و فرمود: این نعل چقدر ارزش دارد؟ در پاسخ گفتم: قیمتی ندارد. علی (ع) فرمود: به خدا قسم! این نعل کهنه در نظر من ارزشمندتر از حکومت بر شماست. مگر آنکه بتوانم حقی را پادارم یا جلوی باطلی را بگیرم.»^۴

بدین ترتیب امام (ع)، اقامه حق و دفع باطل را اساسی ترین وظیفه خویش می شناسد و حکومت را برای تحقق حق به دست گرفته است. حضرت امیر در خطبه ۸۸ در بیان علل و اسباب هلاکت انسانها و ملتها و گروههای اجتماعی بدست هوی و هوس می فرمایند: « چرا در شگفت نباشم؟! از خطای گروههای پراکنده با دلایل مختلف که هریک در مذهب خود دارند! نه گام بر جای گام پیامبر می نهند و نه از رفتار جانشین او پیروی می کنند. نه به غیب ایمان می آورند و نه خود را از عیب برکنار می دارند. به شبهات عمل می کنند. و در گرداب شهوات غوطه ورنند، نیکی در نظرشان همان است که می پندارند، و زشتی ها همان است که آنها منکرند. در حل مشکلات به خود پناه می برند، و در مجهولات تنها به رأی خود تکیه می کنند، گویا هرکدام، امام و رهبر خویش می باشند که به دستگیره های مطمئن و اسباب محکمی که خود را باور دارند، چنگ می زنند.»

حضرت در ضرورت شناخت حق از باطل و مشکلات حق ناشناسی خطاب به یکی از لشکریان فرمودند: « تو زیر پای خود را دیدی، اما به پیرامونت نگاه نکردی، پس سرگردان شدی، تو حق را نشناختی تا بدانی که اهل حق چه کسانی می باشند؟ و باطل را نیز نشناختی تا باطل گرایان را بشناسی.»^۵ « پس حرکت به سوی تکامل در گرو یک

^۲ تنهایی، درآمدی بر مکاتب...، ص ۶۵۴.

^۳ تنهایی، جامعه شناسی عرفانی...، ص ۷۶.

^۴ نهج البلاغه و تعریف حق و باطل - سید ابراهیم علوی

شرط مهم، و آن تفسیر مردم مبتنی بر مشروعیت تغییر است... در واقع کلیه ی مکاتب تفسیری و به مراتب الهی، حرکت، تغییر و تحولات اجتماعی و تاریخی را منوط به همین شرط: « اگر خود آنان بخواهند، دانسته اند.»^۶

در فرایند این مقاله، اهداف زیر به ترتیب تعقیب می‌شوند:

استفاده از ساختار تخیل جامعه شناسی در راستای تبیین ویژگیهای سیاسی جامعه ی آرمانی از دیدگاه نهج البلاغه در تداوم بحث، بر آنیم تا مؤلفه های رشد و پویایی و ساخت ایستای نظام نظری جامعه ی آرمانی در نهج البلاغه را، بنابر اقتضائات موضوعی در پژوهش حاضر با مطالعه در جستارهای باید بررسی نماییم.

(الف) « هستی شناسی» از همین شالوده ی هستی شناسی و تعابیر پیرامون رابطه ی انسان با خدا و طبیعت می توان به مسئله ی جبر و اختیار رسید که مهمترین تفاوت مکتبی تفسیرگرایی و عوامل گرایی به شمار رود.»،

(ب) « ایستایی شناسی» در مطالعات ایستایی شناسی سه مفهوم کلیدی « انسان»، «جامعه» و « روابط متقابل» میان آنها، مورد بررسی قرار می گیرد. رابطه ی متقابل انسان و جامعه: موضوع جامعه شناسی را بایستی درباره ی مفهوم کلیدی یعنی چگونگی رابطه ی انسان با محیط پیرامونش جستجو کنیم.

(ج) « پویایی شناسی»، موضوع اصلی عبارت است از واری و جستجو درباره ی حرکات اجتماعی است پویایی شناسی اجتماعی در نهج البلاغه بنا بر مبانی هستی شناختی اسلام حضرت امیرالمومنین علی(ع)، ایجاد دگرگونی در وضعیت ناهنجار و نا مطلوب اجتماعی بر دو شرط زیر استوار است:

۱- شرط لازم: شرط لازم دگرگونی هر جامعه آن است که شرایط اجتماعی بر سنت اسلام علی(ع) که گفته شد، موجود نباشد. برای مثال بی توجهی به حق الهی شهروندی در تخصیص فرصتهای زندگی، همان گونه که در خطبه شقشقیه فرمود: « سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران صحبت را بر من تمام نمی کردند، و اگر خداوند از علما، عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می ساختم.»^۸

۲- شرط کافی: وجود شروط لازم اگرچه ضروری است ولی کافی نیست. زیرا بنا بر سنت الهی، که مهمترین معیار در جامعه شناسی تفسیری است، این انسان و گروه های اجتماعی هستند که بایستی وجوب این تغییر را درک کرده و بر اساس آن عمل کنند. تنها تغییر در این شرایط است که می تواند با موفقیت رخ دهد. بنابراین علل تغییرات و دگرگونیهای اجتماعی، اگرچه همه به مشیت خداوند بر می گردد، ولی در معنای سنن و قوانین تاریخی اجتماعی جوامع پدیدار می شود. این سنن و قوانین اجتماعی همه از این اصل در دیالکتیک مشروط منتج می شوند که « اگر مردم درون خود را (نفس و حالات درونی خویش را) دگرگون کنند، خدا آن جامعه را تغییر خواهد داد.»^۹ در برابر اگر ظلمی بر جامعه ای حاکم شد، این به هیچ روی به خواست خدا نیست، بلکه همه به نتیجه عمل خود آدمی بر می گردد. پس اگرچه خداوند سر چشمه ی همه چیز است ولی تغییر نتیجه ی اعمال بشر است و کنش انسان در دگرگون کردن جهان، اگرچه کنش انسان است، ولی به اذن و اجازه پروردگار است. نهایت سرنوشت

^۶ جامعه شناسی عرفانی...ص ۷۷.

^۷ تنهایی، حسین ابوالحسن ؛ « درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناختی »، مشهد، نشر مرنديز، ۱۳۸۳، ص ۵۵.

^۸ خطبه ۳

^۹ تنهایی، جامعه شناسی عرفانی ...، ص ۷۷.

جوامع حتی اگر هم بنا بر تمایز انسانی به خطا و خلاف یا راه درست بیانجامد، سرانجام با ظهور آخرین حجت خداوند، به سوی تکامل آخرین ره می سپارد. جوامع می توانند این راه را کوتاه کرده و با ایجاد سریع هنجارهای جامعه ی سالم، جامعه خویش را متحول و مسیر فوق را در فاصله ی زمانی کوتاهی طی کنند. اگر جوامع خود هوشیارانه چنین تغییراتی ایجاد کنند، جامعه از گونه ی در « صراط مستقیم » خواهد بود و به هدایت لازم می رسد. در غیر این صورت، از نوع جوامع مغضوبین، خشم شوندگان، یا « ضالین: گمراهان » خواهند بود. ولی به هر روی حرکت به سوی اوست

ویژگی های اصلی جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی(ع)

۱- عدالت محوری، ۲- حق محوری، ۳- آزادی توأم با مسئولیت در برابر خداوند، وحدت حول محور خداوند ۴- مشارکت فعال مردم می باشد.

۱- عدالت محوری

از نظر امام علی(ع) اصلی که می تواند تعادل اجتماعی حفظ کند و همه را راضی نگه داشته و به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش دهد، عدالت است و ظلم، جور و تبعیض قادر نیست حتی روح خود ستمگر و روح آن کس را که به نفع او ستمگری می شود، راضی نگه دارد تا چه رسد به ستمدیدگان و پایمال شدگان.^{۱۰}

امیرالمؤمنین(ع) در نامه ای خطاب به مالک اشتر می فرماید: «دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو در حق میانه ترین، در عمل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم، گسترده ترین باشد».

در نگاه امام(ع) عدالت قانون عامی است که در همه حالات باید بدان اقتدا کرد و آن حضرت به این قانون عام در حدی بالاتر از ملاک های بشری توجه داشته و آن را میزان خداوندی بر می شمارد.

در بینش الهی امیرمومنان(ع) عدالت اجتماعی پایه و مبنای زندگی گروهی است و جایگاه قانونی و حقوقی دارد و هر حقی را به ذی حق می رساند. در نامه ۵۳ درباره نقش تخریبی ظلم آمده است: « چیزی جز ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی کند، و کیفر او را نزدیک نمی سازد، که خدا دعای ستمدیدگان را می شنود و در کمین ستمکاران است.»^{۱۱} و یا در نامه ۷۹ در تعلیل انقراض اقوام گذشته می فرمایند: « همانا ملتهای پیش از شما به هلاکت رسیدند، بدان صحبت که حق مردم را پرداختند، پس دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند، و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند.»

کلام حضرت امیر(ع) در این مقوله گویای این فکرست که پیدایی روابط ظالمانه در جامعه در حقیقت ظهور زمینه های هلاکت و نیستی آن است. از منظر حقوقی نهج البلاغه نشان می دهد که دستورات اسلام تابع حسن و قبح واقعی بوده و هست و حق عدالت اجتماعی نه تنها واقعیت داشته بلکه به رسمیت نیز شناخته شده و البته چنین حقی از قانون خلقت کسب شده است. بنابراین روشن است که برای یافتن جایگاه عدالت اجتماعی در هر نظام فکری و سیاسی می بایست مفهوم همبسته و پیوسته آن یعنی «آزادی» نیز مورد توجه قرار گیرد. به ویژه آنکه آزادی اجتماعی، همانگونه که در رفتار و سیره امام علی(ع) جلوه گر است، در اندیشه آن امام همام به زیباترین صورت، نقش بسته است.

^{۱۰} مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا، ۱۳۶۶، ص ۹۱۳/
^{۱۱} نامه ۵۳

کلام ... و عترت استوار است ولی همه در گرو تأیید مجدد و تفسیر متناسب امام در هر دوره است.^{۴۵}

۸-۱ شاخص ثروت انحصار طلبی و هواداری های اقتصادی و مالی از مهمترین عوامل پدید آمدن اختلاف معیشتی و تعدی اقتصادی است. امام (ع) در این رابطه می فرماید: « پس در عزت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید، و فریب زینتها و نعمتها را نخورید و مغرور نشوید و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید، زیرا غیرت و افتخارات دنیا پایان می پذیرد و زینت و نعمتهایش نابود می گردد. »^{۴۶} در اینجا تباهی انسان یعنی باطل شدن هستی واقعی و هویت اصلی و رشد الهی و از بین رفتن مواهب و استعداد های آدمی است. همچنین در بعد اجتماعی، باطل شدن موجودیت مستقل و شناخته شده تورم قطعی و فعال آن است. آشکار است که اشرافیت و آسایش طلبی که همواره در انحصار افرادی خاص و مخصوص است، از مهمترین عوامل اساسی تباهی انسان و نابودی فرد و اجتماع است. تسلط مالی و اقتصادی بر توده های مردم جز با تسلط سیاسی تحقق نخواهد یافت، و این تسلط در بیشتر اوقات جز با استیلائی نظامی میسر نیست. بنابراین از دیدگاه علوی که همان راه روشن اسلام است، راه میانه و اعتدال راهی است که آدمی را نجات می دهد و تسلط کامل انسان را بر مال و ضروریات مادی و اقتصادی خویش تثبیت می کند. فطرت آدمی در دو بعد مادی و معنوی بر مبنای قصد و میانه روی ساخته شده است و این امر از مهمترین رسالتهای دین است در فرمایش امیرالمومنین (ع) است که: « هر که میانه روی کند، تهیدست نخواهد شد. »^{۴۷}

ایشان در توصیه دیگری می فرمایند: « از اسراف بپرهیز، و میانه روی را برگزین. از امروز به فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار، و زیادی را برای روز نیازمندی در آخرت پیش فرست

۴۸

۸-۲ تمرکز ناپایدار در شناخت ساختار جامعه سالم از نظر امام علی (ع) به اصل « عدم تمرکز ناپایدار » ثروت، قشر و لایه های گوناگون اجتماعی می توان رسید. ثروت و سرمایه های اضافی مسلمین، به صورتهای گونه-گونی به صاحب ولایت یا مجازین وی در امر گردآوری اموال پرداخته شود و بدین وسیله دولت یا نظام رهبری به اصل « تمرکز ناپایدار ثروت » برخواند رسید. « تمرکز ناپایدار ثروت » بدین معناست که دولت یا نظام رهبری ثروت جمع شده را بلافاصله برای مصارف عمومی جامعه ی مسلمین و ویژه ی توزیع متناسب در میان مستحقین مصرف نماید، و در این راه هیچ تبعیضی قائل نشود. حال آن که در دولتهای غیر عادل ثروت فوق به شکل « تمرکز پایدار » در دست اشراف سالاری قومی- دولتی قرار داشت. تمرکز پایدار ثروت در میان مردم حاکی از بی توجهی مردم و مسئولین جامعه نسبت به خدا و وظایف دینی می باشد، زیرا اگر افراد جامعه به عدل و انصاف رفتار کنند و حق الهی خویش را به موقع پرداخت نمایند، دولت هم به مراتب می تواند در تعدیل ثروت موفق باشد و قاعدتاً کوخها در برابر کاخها تشکیل نخواهد شد. بنابراین ثروت و تمرکز پایدار آن ناشی از نگاه و غفلت انسان، جامعه و مسئولین آن است. تنهایی،^{۴۹}

^{۴۵} جامعه شناسی عرفانی ...، ص ۵۹.

^{۴۶} خطبه ۱۳۲

^{۴۷} حکمت، ۱۴۰

^{۴۸} نامه ۲۱

^{۴۹} جامعه شناسی عرفانی ...، ص ۶۲.

۳-۸ **شاخص قدرت** قدرت در جامعه ي سالمی که رهبري مأذون و منصوب توسط خداوند را دارد، «متمرکز» در وجود شخص راهنما است و اطاعت از وی واجب و شکستن بیعت وی مستوجب خشم خدا خواهد بود... (همچنان) ریاست و رهبري در جامعه ي سالم و در نوع نظام تقسیم دینی کار، با امام و راهبر خواهد بود و یا مأذون منصوب وی. ولی در نوع نظام های تقسیم اجتماعی کار از طریق شورا انتخاب خواهد شد. در هر صورت رئیس هر جامعه ي دینی و اجتماعی می بایستی مختصات مشخصی را از خود بروز دهد. که فهرست وار در ذیل آورده می شود:

۱-۳-۸ تسلط بر نفس: یا به عبارتی معرفت به فقر خویش، استغنائی یار و «حرکت به سوی خدا» داشتن

۲-۳-۸ رعایت انصاف، میانه روی در حق و همگانی کردن خیرات

۳-۳-۸ حذر، پرهیز از بر ملاکنندگی زشتی های دیگران و آشکار ننمودن ضعفهای مردم در نزد دیگران

۴-۳-۸ تخصص گرایی، به کارگیری همکارانی که قبلاً در نظام ظلم و ستم پیشین کار نمی نموده اند.

۵-۳-۸ تبعیض: تفکیک قایل شدن میان فرد نیک و فرد پلید

۶-۳-۸ قدردانی: به کار بستن سنت شایسته، بزرگان هر جامعه، آثار گذشتگان و مشورت با دانایان هر شهری

۷-۳-۸ عدالت اجتماعی: توجه متناسب به هر کدام از قشرهای هشتگانه ي اجتماعی و ایجاد روابط متقابل کارکردی در هر کدام از لایه ها

۸-۳-۸ شفقت: انتصاب کاردارانی که تابع عقلند و نه احساس، مهربانند به زیردستان و در برابر زورمندان قاطع اند، انتصاب افرادی که چون پدری مهربان کمک در امور کوچک را به دلیل رسیدن به کارهای بزرگ، مهربانانه، رها نمی کنند.

۹-۳-۸ عدل کارکردی: تنبیه و تشویق افراد تحت حکومت بنا بر اعمالشان و سوابق شان

۱۰-۳-۸ اهمیت قضاوت: انتصاب قضاتی که تسلط بر نفس داشته و بر حذر از دنیا هستند، و فراهم نمودن بهترین شرایط رفاه برای آنان

۱۱-۳-۸ کنترل حکام: واری مداوم و نقد مستمر بر فرمان فرمایان و کارداران

۱۲-۳-۸ اخذ مالیات به نسبت آبادانی جامعه، بخشش و تخفیف مالیات و حسن برخورد با مردم در هنگام وصول آن، فکر کردن و توجه نمودن به آبادانی و رفاه مردم، بیشتر از اخذ مالیات

۱۳-۳-۸ انتصاب نویسندگانی که نخست تزکیه و پاک شده و سپس تعلیم دیده باشند.

۱۴-۳-۸ توجه به صنعتگران و ترغیب آنها در پیشبرد جامعه

۱۵-۳-۸ مبارزه جدی با احتکار، گرانفروشی، کم فروشی و تعیین آزاد نرخ اجناس

۱۶-۳-۸ توجه جدی و تام نسبت به لایه ي بیچارگان و بی چیزان، یتیمان و سالخوردهگان و ناداران .

۸-۳-۱۷ زمانی را برای نشست عمومی با مردم قرار دادن و تحمل کمی ها و کاستی های فرهنگی آنها ، تخصیص فرصتی پاک و آسوده برای راز و نیاز با خدا و توجه به نیت خدایی در انجام امور دولتی، برپا داشتن واجبات و رعایت حال لایه های گوناگون حتی در چگونگی انجام فرایض.

۸-۳-۱۹ دوری سخت از تبعیض در انعام مردم یا بکارگیری آنها و مبارزه بی امان و ریشه ای هنگام مشاهده آسیبهای اجتماعی.

۸-۳-۲۰ میل به صلح، دوری از جنگ، حتی اگر دشمن به کار بود و توکل به خدا.

۸-۳-۲۱ پرهیز از دشمن، ولی صداقت در برابر هر کسی، حتی دشمن.

۸-۳-۲۲ پرهیز از منت-گذاردن برمحرمان ومردم وخدمت را وظیفه دانستن-ونه-ترحم نمودن^{۵۰}

در جامعه آرمانی علوی، مفهوم سلطه گری و زورمداری و افزون طلبی از جانب حاکم غایب است. مقصد اصلی امام (ع) آخرت است که از گذرگاه دنیا می گذرد و وظیفه اصلی حکومت مهیا کردن بستر زمینی این حرکت برای آدمیان است. آخرت خواهی و توشه برگیری دنیوی برای سرای باقی از دید امام چنین بیان شده: « همانا دنیا نهایت دیدگاه کوردلان است که آن سوی دنیا نمی نگرند، اما انسان آگاه، نگاهش از دنیا عبور کرده، از پس آن، سرای جاویدان آخرت را می بیند، پس انسان آگاه به دنیا دل نمی بندد و انسان کوردل تمام توجه اش به دنیاست. بینا از دنیا زاد و توشه برگیرد و نابینا برای دنیا توشه فراهم می کند.»^{۵۱}

طبق فرمان حضرت، زمامداری که مدیریت جامعه را بر عهده می گیرد، اداره همه ابعاد جامعه را از تنظیم حیات طبیعی افراد و گروهها گرفته تا امکان پذیر ساختن ورود به حیات معقول و رهسپار نمودن آنان به عظمت کمال ربوبی متعهد می شود، امام (ع) در همین راستا در خطبه ۳۴ می فرماید: « ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.» به علاوه موضوع بینش دادن به امت توسط پیشوای صفین در نامه ۴۵ امام (ع) مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است: « آگاه باش؛ هر پیرمردی را امام است که از او پیروی می کند و از نور دانشش روشنی می گیرد.» از دیدگاه امام هیچ جامعه ای با وجود حاکمیت سنتهای غلط و فرهنگی منحط نمی تواند به سوی کمال مطلق سیر نماید و وظیفه پیشوایان است که در درجه نخست زنجیرهای دست و پاگیر جامعه از رسوم و قیود و عاداتها و تقلیدهای باطل و بی اساس را بگشاید و با احیای سنتهای درست، راه رفتن به سوی حیات طیبه را هموار سازند.

نتیجه گیری

در این راستا با مطالعه ای که در سه جستار هستی شناسی، ایستایی شناسی و پویایی شناسی در مکتب علوی صورت گرفت این نتیجه بدست آمد که از دیدگاه این مکتب، جامعه جلوه ای از صفات خداوند است ولی از آنجا که یک ساختمان ساختی پیچیده است، نیازمند نظام مدونی از تقسیم کار اجتماعی است. به همین جهت تحلیل عنصری قاعده ی تقسیم کار اجتماعی در خلال اصول جامعه شناسی تبیین گردید. براساس اصل اول یعنی « راهها و اهداف » که تأثیر فرایندهای ساختی در شکل کنش اجتماعی

^{۵۰} تنهایی؛ جامعه شناسی عرفانی ... ص ۶۳ - ۶۵.

^{۵۱} خطبه ۳۳

را بیان می‌کند مشخص شد که برای تعیین راهها و اهداف در جامعه ای که انسانهای آن براساس معرفت به فقر وجودی و توجه به جوهر اصلی و حقیقی هستی حرکت می‌کنند، نیازمندیهای انسان در دو بعد قابل تعریف اند؛ این مکتب یک بعد انسان را در اوج ملکوت می‌داند و بعد دیگر را در جسمانیت او. براین اساس، حضرت علی (ع) پیش از هرچیز سلامت جامعه را در گرو سلامت افراد آن می‌داند. در الگوی نظام اجتماعی مطلوب نهج البلاغه، قوانین در رابطه با انسان براساس تربیت یک انسان کامل و ربانی و با توجه به نیازهای حقیقی او و برقراری یک اجتماع سالم و سازنده تنظیم می‌شود. پس از طرح اصل «راهها و اهداف» برای شناخت قوانین تناسب میان نیازها، اهداف، راه ها و کارکردهای اجتماعی قاعده‌ی دیگری مطرح شد. این که هر گروهی بناگزی، به لحاظ تقسیم اجتماعی کار و نقش‌هایی که در آن وجود دارد، تفکیک یافته است. این اصل به عنوان اصل دوم یا اصل «تفکیک یافتگی» نشان دهنده ی جای گیری، نقش گیری مردم در مشاغل مختلف اجتماعی است. براساس همین اصل و در بررسی تقسیم بندی ساختار مجموعه های اجتماعی و طبقه ی اجتماعی مشاغل در جامعه ی آرمانی مورد نظر در کلام نهج البلاغه، شاخصهای ثروت، قدرت و برنامه ریزی در جامعه به گونه ای تعریف می‌شود که در آن اولاً سلسله مراتب نقش های اجتماعی، بر مبنای نظام تقسیم اجتماعی کار شکل گرفته و ضمن پذیرفتن وجود دو طبقه ی رهبر و مردم در سنخ دیالکتیکی طبقه ی اجتماعی از سویی، و دیگری طبقه ی اجتماعی مشاغل و صنوف.

بطورکلی در پاسخ به سئوالات اصلی پژوهش حاضر؛ در مورد ویژگی های اجتماعی جامعه ی آرمانی می‌توان به قانونمند بودن اجتماع و پایبندی به سنت الهی تغییر براساس خواست و تفسیر متعهدانه ی مردم، پایبندی به حقوق متقابل رهبر و مردم براساس اصل تفکیک کارکردی در نظام تقسیم کار اجتماعی، برپایی اصولی چون عدالت اجتماعی، اتحاد و وحدت، همیاری اجتماعی بر مبنای عقل و عشق، اعمال فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اشاره کرد. ویژگی های سیاسی جامعه ی آرمانی عبارتند از حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه و دوگانگی، دوری از حاکمیت غیر خدا و پذیرفتن حکومت الهی، اهمیت دادن به فرمانبرداری از رهبران سیاسی _ الهی، وجود لیاقت در مدیران و توجه به اصل تخصص گرایی کارکردی، تحقق آزادی سیاسی و اجتماعی در تمام سطوح حیات فردی و اجتماعی آحاد جامعه.

منابع

- ۱- قرآن مجید
- ۲- نهج البلاغه (نامه ها - خطبه ها - حکمت ها)
- ۳- باقری، شهلا؛ «جامعه مطلوب از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام»؛ مجلات: تاریخ شیعه شناسی، زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۲.
- ۴- تنهایی، حسین ابوالحسن، «جامعه شناسی نظری، مبانی، اصول، مفاهیم»، تهران، بهمن برنا، ۱۳۸۱.
- ۵- تنهایی، حسین ابوالحسن؛ «درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناختی»، مشهد، نشر مرندیز، ۱۳۸۳.
- ۵- تنهایی؛ حسین ابو الحسن، «جامعه شناسی عرفانی در اندیشه عرفای مسلمان» تهران، نشر بهمن برنا، ۱۳۸۴.
- ۶- جرداق، جرج «امام علی، صدای عدالت انسانی»، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، جلد ۱ و ۳ و ۴.
- ۷- حسینی سعیدی، سید ابراهیم، علی آئینه حق نما، چاپ اول، احرار تبریز
- ۸- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، چاپ سوم، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹
- ۹- دلشاد تهرانی، مصطفی، «دولت آفتاب، اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع)»، تهران، خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۷.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، تهران: انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه

تهران، ۱۳۴۱.

- ۱۱- صديق اورعي، غلامحسين؛ جوامع نكوهيده در نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشي و اطلاعرساني نهج البلاغه، ويژه علوم اجتماعي، شماره ۱۵ و ۱۶. ۱۲- عبدالملكي، هادي، تبیین رابطه عدالت و انسجام اجتماعي از دیدگاه امام علي (ع)، ۱۳- عليخاني، علي اكبر؛ « مباني آزادي و آزاديگي انسان در اندیشه سياسي امام علي»، فصلنامه حكومت اسلامي، شماره ۲۱.
- ۱۴- علوي، سيد ابراهيم؛ نهج البلاغه و تعريف حق و باطل، چكيده مقالات اصول و شيوه هاي حكومت اسلامي.
- ۱۵- قادرزاده، مژگان- ساروي، پريچهر؛ « جامعه مطلوب از دیدگاه امام علي (ع)»، مجلات: علوم انساني « معرفت»، آبان ۱۳۸۴ - شماره ۹۵
- ۱۶- مزرقي، رحمت اله- اناري نژاد، عباس؛ « تربيت اجتماعي از منظر نهج البلاغه»، فصلنامه تربيت اسلامي، سال دوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۷- مطهری، مرتضي، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا، ۱۳۶۶
- ۱۸- مجموعه مقالات برگزیده همایش عدالت اجتماعي و اميرالمؤمنين علي(ع)، تهران: دانشگاه امام حسين(ع)، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲.
- مسائل جامعه شناسي ...، به نقل از مقدمه ابن خلدون